

# گزارشی کوتاه

در باره

# جمعهٔ سیاه

نقل از: جراید و خبرگزاریها

گزارشی از بخش انگلیسی روزنامه لوموند

۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸

جمعه سیاه در ایران :

مشکل اصلی در ایران مساله آزاد بیخشی است .

تهران - آنچه که روزها بود با وحشت در انتظارش بودیم فرارسید تهران و یازده شهریور صبح روز جمعه هشتم سپتامبر چشم خود را بروی حکومت نظامی باز کرد . بدنبال انعکاس موفقیت تظاهرات دوشنبه ۴ سپتامبر و پیروزی واقعی سازمان دهندگان راه پیمائی طولانی هفتم سپتامبر که علیرغم ممنوعیت اجتماع از طرف دولت توانستند جمعیت عظیمی که محافظه کارترین ناظران شرکت کنندگان در این تظاهرات را بیش از یک و نیم میلیون رقم زدند - گرد هم جمع کنند . حکومت مجبور بود از خود عکس العملی نشان دهد و گرنه آبرویش بر باد میرفت . دولت ، حکومت نظامی را صبح روز جمعه اعلام کرد و بیان داشت : " که این تظاهرات برخلاف دستورات مراجع تقلید و صریحا مخالف حکومت و قانون اساسی میباشد و تظاهرات کنندگان میخواهند خونریزی بپاکنند این را نیز بعنوان واقعیت مشخص و معلوم در نظر داریم که توطئه از طرف نیرو - های بیگانه طرح ریزی شده و آزادیهای فردی و استقلال ملی ما را بخطر انداخته و میخواهد مانع رشد و حرکت ایران شود و دولت نیز که تنها مجری و مسئول قانون اساسی میباشد برای ششماه اعلام حکومت نظامی در شهرهای تهران - تبریز - قم - اصفهان - آبادان - اهواز - مشهد - شیراز - قزوین - کرج - کازرون و جهرم مینماید .

عبور و مرور از ساعت ۹ بعد از ظهر تا با امداد روز بعد قدغن است و هرگونه تظاهرات و اجتماع ممنوع اعلام میشود . "

گزارشی کوتاه درباره جمعه سیاه

به نقل از جراید و خبرگزاریها

پنجاه هزار

چاپ اول

نشر جمعه سیاه

بها : ۱۷ ریال

روز جمعه صبح وسایل نقلیه سنگین نظامی در شاهراهها و نقاط حساس پایتخت مستقر شد ، سربازان کلاه خود بر سر اسلحه‌های خود کار خود را بسوی رهگذران نشانه گرفتند آنچنان که گوئی مصمم به شلیک هستند - شب قبل از روز جمعه تعداد قابل ملاحظه ای از سربازان عملاً تمام قسمتهای میدان ژاله را با تجهیزات کامل محاصره کرده بودند . این میدان ( میدان ژاله ) اخیراً بیاد بود حادثه خونین آخر ماه رمضان میدان شهدا نامیده میشود .

قرار بود در همین میدان برنامه روز جمعه هشت سپتامبر انجام شود با وجود برقراری حکومت نظامی بیش از ۵۰۰۰ پنجهزار تظاهرکننده در صبح زود روز جمعه در مقابل سربازان جمع شده بودند در حالیکه سینه‌هایشان را شجاعانه بروی گلوله‌ها و توپ و تانگ باز کرده بودند صدای تیراندازیها از منطقه‌های شنیده شده که وسایل تسلیحاتی راه را سد کرده بودند و اجازه ورود به هیچکس نمیدادند .

تظاهرات روز ۴ سپتامبر ( روز عید فطر ) که در تاریخ ایران بی نظیر بوده رژیم رالرزاند تظاهرات روز ۷ سپتامبر ( پنجشنبه ۱۶ شهریور ) سیلی محکمی بصورت شاه بود زیرا امپراطور روز قبل به مسئولین قانون و نظم امر کرده بود که از همه قدرت ممکن برای جلوگیری از متینگیهای غیرقانونی استفاده کنند .

آیت الله شریعتمداری با درک خطر فوراً اعلام کرد که این تجمع بدستور حوزه علمیه قم نبوده است و باین طریق خود را از سازمان دهندگان تظاهرات جدا کرد سازمان دهندگان این تظاهرات مذہبیهای تندروئی هستند که از آیت الله العظمی روح الله خمینی پیروی میکنند . ( ۱ )

۱ - این مصاحبه در زمان سانسور شدیدی حکومت نظامی ، بطور محرف چاپ شده بود و منطبق با استفتائی که از آیت الله شریعتمداری در دست است ایشان رسماً و کتبا مخالفت خود با تظاهرات و بکار بردن کلمه " تندرو " در باره تظاهرکنندگان را تکذیب کرده اند .

صد و بیست هزار نفر از علماء که به يك اعتصاب عمومی دعوت شده بودند این دعوت را رد کردند و اعلام کردند که مایل نیستند زندگی مردم را به مخاطره بیندازند . موضعگیری مشابهی از طرف جبهه ملی که بوسیله مصدق پایه‌ریزی شده است صورت گرفت البته جبهه ملی وسعت و تأثیر تظاهرات خیابانی را نادیده میگیرد و رهبران آن خصوصاً عقیده دارند که موقعیت فعلی برای تظاهرات مساعد نیست و هرگونه تظاهراتی منتهی به وضع خطرناکی خواهد شد روز ۶ سپتامبر مهدی بازرگان رهبر نهضت آزادی ایران که به مذہبی‌ها نیز نزدیک است ترس خود را برای من آشکار ساخت او خصوصاً به وضع منفی مخالفین سیاسی و مذہبی دولت شریف‌امامی انتقاد میکرد ، به نظر او ، مخالفین باید روش محتدلتری داشته و سیاست صبر و انتظار را پیش گیرند تا رژیم را در برنامه آزاد بیخشی اش مورد آزمایش قرار دهند نه اینکه از پیش او را محکوم نمایند .

او میگفت برای اینکه حکومت به روش خشن دست نزند این برنامه الزام آور است .

او آشکار ساخت که شاه در فکریک حکومت نظامی برپاست ژنرال غلامعلی اویسی بود که افسری خشن است و تنها فرد مورد اعتماد امپراطور است ، در واقع همین اویسی بود که فرماندار حکومت نظامی شد ، تنها یک معجزه توانست از خونریزی روز پنجشنبه ۶ سپتامبر جلوگیری کند روزیکه گروه کثیری از خیابان کوروش کبیر در شمال پایتخت به حرکت درآمدند ، لحظه تند و پرهیجان زمانی بود که اولین گروه تظاهرکنندگان که در میان آنها عده ای از روحانیون نیز بودند پیشاپیش مردمی که پرچمها و تصاویر خمینی را داشتند در حرکت بودند و ناگهان با گروهی از سربازان مسلح با تفنگها و اسلحه‌های خود کار رو برو شدند لحظه ای تردد بود و پیش سکوتی مرگبار روپس از آن دوباره جان گرفت با این فریاد که برادر ارتشی ، چرا برادر کشی .

کمترین جرعه میتوانست وضع محترق کند و به کشتاری فجیع بیانجامد زیرا  
تظارکنندگان از همه سوی خیابان بوسیله ارتش مسلح محاصره شده بودند .  
کمی بعد شاید بدنبال دستوری از کاخ سربازان عملاً کنار کشیده و از  
خیابانها دور شدند اما سازمان دهندگان تظاهرات از درگیری میترسیدند و  
مرتبا پیام میدادند که نظم را رعایت کنید - راه پیمائی در ساعت ۸ بعد از ظهر  
تقریباً دوازده ساعت بعد از شروع وبدون هیچ حادثه‌ای به پایان رسید

تظارکنندگانی که همراه خبرنگاران در يك وانت رویا زبه شهر می‌گشتند  
توضیح دادند که هیچ چیز بدون خمینی قابل قبول نیست آنها می‌گفتند که  
خمینی تنها کسی است که ما به او اعتماد داریم حتی آیت الله شریعتمداری نمی-  
تواند به تنهایی نماینده مردم باشد این گفته در شعارهایی که هزاران نفر  
از مردم فریاد میکردند منعکس بود .

شعارها این چنین بودند : درود بر خمینی . یامرگ یا خمینی . ایران  
کشور ماست - خمینی رهبر ماست ، شاه ما خمینی است ، ( حزب فقط حزب  
الله ) تنها حزبی که ما بر سعیت میشناسیم حزب خداست و ما چیزی غیر از حکومت  
اسلامی نمیخواهیم .

لحن گفتگو رفته رفته نسبت به شاه سخت‌تر میشد تا اینکه شعارها آشکارا  
فحش به شاه شد . شاه بی‌شرف گمشو ( ای بی‌شرف حیاکن - سلطنت را رها  
کن ) ، حادثه اسفناک آبادان بدست شاه تهیه شده بود ( فاجعه  
آبادان بدست شاه خائن ) ، " پنجاه سال حکومت و پنجاه سال خیانت "  
" نهضت انان بودی شاه ادامه خواهد یافت " " مرگ برد یکتاتور " و " شاه ترأ  
میکشیم "

هدف شعارهای دیگر سربازان بودند حکومت این شعارها را مخرب  
روحیه سربازان قلمداد کرد .

" سربازان بیا ملحق شوید و از قرآن دفاع کنید " - سربازان شما گناهایی  
ندارید آنها شمارا عروسک کرده اند " و " چرا برادران خود را میکشید ؟ "  
منابع نزدیک به کاخ روز جمعه صبح توضیح دادند که تصمیمات حکومت در  
مورد سیاست آزاد بیخشی که ده روز پیش آغاز شد تغییری نخواهد کرد ولی لازم  
بود که به هر قیمت شده توطئه ای را که میرفت تا مملکت را به نابودی برسانند  
به آنارشیسم بکشند در نطفه خفه کنیم .

جمعه ۸ سپتامبر خونین ترین روزی بود که ایران بعد از ژوئن ۱۹۶۳ داهته  
است . یکی از سخنگویان مخالفین مذهبی قبل از مخفی شدن از يك قتل عام  
واقعی سخن گفت ورقم کشته هارا ۵۰۰ نفر اعلام کرد که البته تأیید این رقم  
خیلی مشکل است ولی اکثر ناظرین بین المللی این رقم را قبول کرده اند .

باید خاطر نشان ساخت که فرماندار نظامی فعلی یعنی غلامعلی اویسی در  
قتل عام ۱۹۶۳ ( پانزدهم خرداد ۴۲ ) فرمانده گارد سلطنتی بوده است  
او عصر روز جمعه اعلام کرد که فقط ۵۸ نفر مرده و ۲۰۵ نفر مجروح شده اند او  
مجدداً گناه کشتار اسف انگیز را بگردن گروهی از تظارکنندگان انداخت که  
از طرف کشورهای خارجی تحریک و یاری میشوند .

او ادعا کرد که سربازان فقط از خود دفاع قانونی کرده اند و درست بعد از آنکه  
تظارکنندگان به مردم و املاک آنها در قسمت‌های مختلف تهران حمله کردند  
و چند سرباز واحد های ارتش را نیز کشته اند - افسران مسئول اجرای حکومت  
نظامی مجبور شدند شدت عمل بخرج دهند تا تظارکنندگان را با -  
بازگرداندن نظم و آرامش پراکنده سازند .

این بیانیه کاملاً با آنچه چیزی که شاهدان عینی ناظر بر قتل عام صبح جمعه  
۸ سپتامبر میدان ژاله اظهار میدارند مغایر است . این ناظران که در صداقت  
و راستگوییشان هیچ شکئی نیست میگویند که سربازان باد و هزار دانشجو

ومحصل وغيرمحصل که در خیابان شهبازخونسرد بسوی زمین نشسته بودند  
روبروشدند وبعد از يك سري تيراندازی هوائی ناگهان بسوی گروههای مردم  
آتش گشودند يك خبرنگار ایتالیائی که همه چیز را دیده بود گفت که او بشدت  
تحت تأثیر جوخه آتش قرار گرفته بود

دانشجویانی که باشجاعتی بی نظیر و استثنائی سینه های خود را در مقابل  
سربازان گرفته بودند احساس اطمینان میکردند که خویشان و فرزندان شان در  
معرض تیراندازی نیستند زیرا که ابراز برادری و اخوت با ارتش افسانه ای بود  
که در چند روز گذشته به حقیقت پیوسته بود .

شایعات در شهر حکایت از فرود آمدن سه هواپیمای حامل کاماندوهای  
اسرائیلی در فرودگاه مهرآباد در چهارشنبه شب میکرد .

و آنها عامل کارکنانی بودند که سربازان ایرانی حاضر به انجام آن نشدند  
علیرغم این حقایق مردانی که اسلحه ها را شلیک کردند بی تردید ایرانی بودند  
در حالیکه مقدار زیادی از مردم قبول کرده بودند که شلیک کنندگان اسرائیلی  
هستند ، خبر قتل عام خیابان ژاله بسرعت در تمام تهران منتشر شد و تظاهرات  
بیشتری را بر علیه حکومت نظامی باعث شد در سراسر منطقه سکونتی کارگران که  
از صبح زود توسط ارتش مسلح اشغال شده بود ، با عجله سنگرهای موقتی و  
تقریباً ابتدائی از لاستیک و بشکه و قطعات فلز قراضه ساخته شد ، از این قبیل  
سنگرهای موقتی بسرعت توسط مردان جوانی که حامل کوکتل مولوتف و سنگ  
بودند در همه جا ساخته شد اما توسط وسایل نقلیه مسلح ارتش که از صبح زود  
آنجا را اشغال کرده بودند و بخوبی سنگر گرفته بودند تا بود میشود . در تمام  
طول روز گروههای کوچک تظاهرات کنند سربازان را بستو آورده بودند و به  
محض ظاهر شدن سربازان مسلح در کوچه های فرعی ناپدید میشدند . صدای  
شلیک مهمات سنگین و سیک يك لحظه قطع نمیشد ، نظیر این قتل عام در جنوب

شهر نیز اتفاق افتاد ، جنوب شهر فقیرترین منطقه است و گفته میشود که در  
میدان شوش بیش از صد نفر از تظاهرات کنندگان با کمال خونسردی و بی شرمی به مسلسل  
بسته شدند اما این گزارشها مانند گزارش خونریزی در منطقه کارگرنشین نارمک  
و تهران پارس در شرق پایتخت تأیید نشد .

کشتار عظیم جمعه سیاه تهران بی هیچ تردیدی معلول سیاست آزاد بیخشی  
است که از طرف کابینه شریف امامی اعلام شد . ( ۱ )

روزنامه هائی که روز شنبه صبح ۹ سپتامبر منتشر شد در حالیکه بدست حکومت  
نظامی کاملاً سانسور شده بود تصویرنمایی بود از اینکه عمر کوتاه بهار گذشته بسر  
آمد و از آن چیزی جز يك خاطره باقی نماند ، اما کاخ هنوز مایل است که همان  
راه آزاد بیخشی را ادامه دهد ، گفته میشود که در نظر است يك سـری  
افشاگریهای بر علیه فساد در روزهای آینده صورت پذیرد .

علاوه بر آن امیرعباس هویدا وزیر دربار که باعث همه انزجارها و نفرتهای مردم  
از رژیم بوده است کنار رفته و جای او را عباسعلی خلعتبری وزیر امور خارجه ایران  
در ده گذشته میگیرد بهر حال امید موفقیت برای این اقدامات دولت بسیار  
کم است ، دکتر شاپور بختیار یکی از رهبران جبهه ملی که تاکنون بدست پلیس  
مخفی ( ساواک ) نیفتاده است بمن گفت که " بجائی رسیده ایم که دیگر  
بازگشت امکان ندارد ، آشتی با این رژیم دیگر امکان پذیر نیست آنها یکـه  
هنوز تمایل به آشتی دارند باید بدانند که با این حمام خون دیگر آشتی امکان  
ندارد ، رژیم توفیق خود را برای از بین بردن شکاف با مخالفین از دست  
داده است ماهمه مخالف این اشغال ارتش هستیم ارتشی که بیرحمانه شلیک  
میکند و مردم بیگناه را میکشد .

فرماندار نظامی با احتیاط زیاد پس از حکومت نظامی چند تن از رهبران مذهبی  
مخالف را در بعد از ظهر جمعه دستگیر کرد . این مخالفین عبارت بودند از :

۱ - پاورقی در انتهای گزارش

آیت الله روحانی از قم و آیت الله نوری از تهران و روحانیون دیگر، بعضی از این روحانیون متوجه اوضاع بوده و مخفی شدند، اعضا جبهه ملی نیز هدفهای این موج دستگیریها بودند، یکی از فعالترین کسانی که در این مبارزه بعلیه رژیم دستگیر شد شخصی بازاری بنام آقای هانیان بود که از اعضا جبهه ملی نیز هست. دوتن از اعضا جبهه ملی نیز بنام دکتر سنجایی و داریوش فروهر ریخانه های خود که مورد تفتیش ساواک قرار گرفته بود بازنگشتند و متین دفتری یک حقوقدان و نوه دکتر مصدق و یک عضو معروف کمیته دفاع از زندانیان سیاسی بعد از شش ساعت بازجویی آزاد شد. حقوقدان دیگر لاهیجی عضو اجرائی کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر شدت مورد تعقیب است. اعضای کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر که بوسیله سازمان ملل برسمیت شناخته شده است و از جمله مقدم رئیس یک گروه سیاسی تندرو، هدف دستگیریهای جدید بوده اند، سید جواد بنیانگذار کمیته دفاع از حقوق بشر و آزادیها و نویسنده مقالات سیاسی و اجتماعی و خصوصاً نویسنده نامه های سرگشاده و بحث انگیز به شاه که در آمریکا معروف به ساخاروف ایران است مخفی شده است و خانه او تبدیل به یک دام برای دستگیری دیگران گردیده است.

من (نویسنده گزارش) نیز ۲۰ دقیقه در آنجا نگه داشته شدم تا اینکه ساواک اجازه خروج داد.

مخالفین نسبت به اوضاع بد بین میباشند آنان با د نظر گرفتن تمام تحلیل های سیاسی فکر میکنند آمریکا هرگز نباید متحدان ایرانی خود را تشویق به ادامه وضع کند.

خبرنگاران ضمن آمد و رفت خود در گوشه و کنار شهر مکرراً مواجه با ایرانیان جوانی میشدند که با خط کج و معوج در دفترهای آنها درخواست

دوستی و کمک را مینوشتند. تمام این یادداشت ها یک عبارت و یک اتهام را بیان میکند.

"کارتر ما را گرفتار کرده است" و یا:  
"عامل گرفتاریهای ما کارتر است"

پایان

(پاورقی صفحه ۷)

در همه موارد باید ب خاطر داشت که دولت رژیم برخلاف ادعای خود شان هرگز ابتکار هیچ جریان اجتماعی را بعهده نداشته اند و اقدامات آنها همواره حالت عکس العمل در برابر امر واقع شده را داشته. ادعای اعطای آزادی سیاسی نیز از این قبیل است.

ارتش شهر را اشغال میکنند

هفته پیش فریاد مرگ بر شاه از جمعیت ۱۵۰۰ نفری عزاداری که در مقابل يك زره پوش در رد رواز بهشت زهرا نشسته بودند بلند بود . زره پوش کمی عقب رفت و افسرجوان فرمانده دست به عمل شجاعانه ای زد فریاد کرد : شما برادران ما هستید . ما هرگز قصد کشتن شما را نداریم و همراه این فریاد اسلحه خود را از جایش باز کرد و متواضعانه تقدیم جمعیت نمود و فریاد زد : بیایید اسلحه ام را بگیرید و اگر میخواهید مرا بکشید . جمعیت عزادار برایش هورا کشیدند و سروروی او و سربازانش را گلباران نمودند .

ارتش ۲۵۰ هزار نفری ایران هیچوقت باندازه چند هفته اخیر از خود مهارت نشان نداده بیسود . گفته میشود که در هفته پیش دوافسر بجای اینکه اسلحه را بروی مردم در میدان ژاله آتش کنند خود را مورد هدف اسلحه هایشان قرار داده اند و چندی نفر از کسانی که سرپیچی از امر فرمانده کرده بودند و یا اسلحه خود را رها کرده بودند بوسیله جوخه آتش مورد هدف قرار گرفتند ولی بخاطر ترسی که در میان طرفداران شاه وجود داشت مبنی بر اینکه ارتش ممکن است سرپیچی کرده و از آتش گشودن بمردم بی سلاح مانند آنچه در بهشت زهرا اتفاق افتاد خود داری کنند بسرعت ارتش را فراخواندند .

سازمان و سازماندهی در ارتش: ارتش ایران به سبک ارتش پروس سازمان یافته است . افسران که سرپرستی سربازان را بعهده دارند تا بلی به نافرمانی یا اعمال کاری از خود نشان نمیدهند ، یکی از مشاوران غربی میگوید :

شما عکس برهنه زنان و یا تقویم را برد یواریا دگانها نمی بینید اما اخطارهای امنیتی همیشه روی دیوارهاست .

برای انجام وظایف دقت نظر صورت میگیرد . اکثر سربازان اعزامی هستند و بعد از اینکه تعلیمات مقدماتی را دیدند در نقاطی دوازده محل اقامت خود بکار گماشته میشوند . يك دیپلمات در تهران گفت که مقامات مسئول میگویند این عمل برای کسب تجربه است و عملاً باعث میشود که سربازان احساسات شخصی نسبت به محل خاصی نداشته باشد بنظر میرسد این روش مؤثر واقع شده است ( \* )  
يك سرباز جوان که از اصفهان به تهران فراخوانده شده بود میگفت :

من چرا باید نسبت به مردمی که مرا سنگ میزنند عاطفه داشته باشم اینها مرا برادر میخوانند ولی سنگ هم میزنند در حالیکه در شهر خودم چنین رفتار و برخوردی وجود ندارد .

مطلب دیگر اینکه خشن ترین تکلیف اعزام افراد به گروههای برگزیده همانند قسمت گارد و نیروهای مخصوص کماندوئی میباشد در این قسمتها حتی ردیف و پرونده افراد سخت زیر نظر و تنظیم یافته است . افسران بلند مرتبه ایسراپا مجدوب سیاست مستقل ملی و اثبات شاه شده اند و اگر اتفاقی بیفتد و او ضاع عوض شود امرای ارتش بدعا قبت ترا خود شاه خواهند بود ( ۱ )

افسران و درجه داران حقوقهای گزافی دریافت میدارند و حکومت بهترین

\* توضیح مترجم : سرباز در محل اقامت خود وابستگی های عاطفی دارد لذا در صورت درگیری با مردم ممکن است نافرمانی کند ولی وقتی از محل اقامت خود دور میشود فشارهای ناشی از زندگی در غربت او را نسبت به آن شهر متنفر میسازد و احتمالاً در صورت بروز درگیری دست به کشتار میزند و اصولاً این نحوه عملکرد و نقش دادن به احساسات شخصی سرباز منجر به جدائی ارتش و مردم هموطن میشود .

### شاه - اسلام - ایران

سؤال : چگونه بقایای يك رژیم خودکامه و غیرد مکررات میتواند تبدیل به يك رژیم آزاد بیخس گردد ؟

جواب این سؤال دشوار است اگر سؤال درباره رژیم شاه ایران باشد . به نظراین روزنامه بدون هیچ تردیدی بسیار نفع ایران و متحدان غربی او که برای ایران اهمیت بسیار قائل هستند میباشد که شاه با همه نبوغ و معایش در مقام رئیس مملکت باقی بماند .

مطلب را با نقاط ضعف اخلاقی شاه آغاز میکنیم .

شاه مردیست با نقائص و نقاط ضعف بسیار . فرماندهی که بیماری مزمن تکبر و نخوت او نقش عمده ای در سقوط فعلیش داشته است . دو هفته تمام است که تخت سلطنت او بر اثر حمله سخت و متفق تند روان چپ و راست به لرزه درآمده است . در همین شرایط طبقه متوسط و طبقه نزد يك بآن که هم توسط رژیم شاه ثروتمند شده اند و هم مورد بی اعتمادی و بی توجهی او قرار گرفته اند در شهرهای بی درو پیکر شاه گم شده اند در حالیکه این گروه باید نقش سنگرهای شهری نیروهای نظامی و گارد سلطنتی او را بازی کنند . اما شاه در قصر خود در شمال تهران تنه امانده است و عکس العمل او که مثل همیشه عکس العملی فوری و بی تدبیر است بسیار ناگهانی و خشن بوده است به نحوی که اوضاع را وخیم تر از آنچه که باید کرده است .

آنچه که برای او شانس مختصری باقی میگذارد البته در صورت دوام سلسله اش اینست که باز هم فشار اختناق را بیشتر کند تا بتواند مجدداً حاکمیت خود را با همکاری سربازان وفادارش بدست آورد . تنها در این صورت است که اگر

سلا حها را با قیمتهای سرسام آور برای ایشان تهیه کرده و در اختیارشان قرار داده است . سربازان جزو رابطه ضعیفتری با یکدیگر و امکانات کمتری دارند .

يك افسر آمریکائی که در ایران خدمت کرده است میگوید :

" در حوادث جزئی سربازان معمولی بدون هیچ تردیدی بروی تظاهرات کنندگان تیراندازی میکنند ولی اگر حوادث ادامه یابد و وسعت پیدا کند نمیتوان دیکر به آنها متکی بود ولی ما نمیدانیم نقطه انفجار کجاست ."

يك افسر ایرانی میگوید :

شاه میدانند که هر چه بیشتر ارتش خود را در خیابان نگهدارد خطر

آلودگی و درگیری بیشتر و عظیمتر میشود "

با درك این خطر است که حکومت از روش اروپائی فساد و نفاق بیفکن و حکومت کن استفاده میکند و سعی دارد وظیفه حفظ نظم را به پلیس محول کند .

### پایان

(۱) - درون فهمی سخنان ضمنی این گروه نشان میدهد که ترس آنها برخلاف شاه - از خشم مردم در آینده محتمل نیست چرا که به موجه بودن ضرب المثل " المأمور معذور " نزد ملت ایران امید بسته اند . هر اس اصلی آنها ناشی از فقدان مزایای آشکار و پنهان فعلیشان در يك حکومت ملی میباشد : و این ، خود انگیزه کوچکی برای وفاداری آنها نیست .



اود را این معامله خونین موفق شود مهلتی برای بازبایی خود می یابد و فرصتی پیدا میشود که از اعمال فشار بر مردم بکاهد کاری که ایران سالها بود آن نیاز داشت و بالاخره شاه به نحوی مسخره شروع به انجام آن کرد . اما درست وقتی که دیگر رشته کارها از هم پاشیده شده بود .

وبالاخره برای اوفرتی است برای رهائی از انبوه مشکلات و مسدود شانسهای این سالی که در حال گذراست .

اکنون دیگر هیچ چیز باقی نمانده است که شاه بتواند به سهم خود برای آرام ساختن جنبش اسلامی بپردازد . جنبش اسلامی جنبشی است که شاه مدتهای طولانی از آن بعنوان دشمن خطرناک رژیم نوگرای خود میترسید دشمنی خطرناکتر از دانشجویان چپ تند رو که در خارج از مملکت ادعای آزادیخواهی دارند شاه نابخردانه در طوفان امتیاز دادن به اصولیون ( روحانیون اصل گرا ) اسلامی که هسته مرکزی مخالفین او را تشکیل میدهند غرق شده است

يك نخست وزیر که دو ازمده سال پست نخست وزیری داشت و سپس وزیر دربار شده بود ، وزرای سابق ، بانکداران ، مردان بانفوذ و قدرتمند در سازمانهای فعلی و باقبلی خود راقربانی کرده است ولی باز هم مخالف باج گیر قربانیان بیشتری می طلبد .

در حال حاضر نخست وزیر ایران موقعیت مذهبی بهتری از آنچه که نخست وزیر قبلی داشت دارد . جریانات مجلس یا پارلمانی که شاه در آن در لب پرتگاه سقوط قرار گرفته بود و خیلی دیر توانست تنفسی آزاد و مکررات داشته باشد از تلویزیون سراسری پخش شد . ارتش فعلا بر سر کار نیست البته در ایران بر سر کار نبودن معنی واقعی ندارد بلکه ممکن است ارتش همه کاره هم باشد . رژیم در مقابل مشکلات زیادی قرار دارد ، مشکلاتی از قبیل مذهب

و هجوم غرب گرائی یا آنچه که سالها قبل جلال آل احمد آن را غرب زدگی نامید ، مشکل دیگر جمعیت متشکل بازاریان هستند که در مساجد جمع میشوند و معمولا به بانکها و سوپرمارکتها و تورم روز افزون اعتراض دارند . گروه دیگری روستائیان مهاجرو بیکاری هستند که در ساختمانهای شهری جمع میشوند چنانکه مثلا در ستمزد ها روز به روز سرسام آوریا لا میرفت و گروه آخر دانشجویان متحد دانشگاههای سراسر کشور و دانشجویان اخراجی دانشگاهها .

### شورشهایی که نمیتوانند حکومت کنند

این جماعت متحد اعم از شیعیان مذهبی دست راستی ، طبقه کارگر و چپهای تند رود رایران بتازگی بوجود نیامده اند این تجمع بدلیل تضاد های بسیار ضربه پذیر و غیر قابل دوام است افراد این گروهها خیلی بندرت و اتفاقی دور یکدیگر جمع میشوند ، این پیوستگی یکبار در سال ۱۸۹۰ در ماجرای امتیاز تنباکو که بدست " میجر تالبوت " افتاده بود و یار دیگر در ۱۹۰۵ در جنبش مشروطیت و با رسوم در حوادث سالهای ۱۹۵۳ - ۱۹۵۱ در دوران مصدق بوجود آمد ، این قبیل جنبشها معمولا گذشته ها را نابود میکند ( تجربیات گذشته را نادیده می انگارد ) و سپس از رون خود شتهدید میشود و بعد فروکش میکند .

اکنون تنها سوال اینست که در این زمان که نیاز مبرم به برقراری نظم در ایران بچشم میخورد آیا شاه میتواند تسلط لازم را برای اتخاذ خط مشی درست سیاسی داشته باشد زیرا چپ تند رون نمیتواند برای يك کشور مذهبی دست راستی نظیر ایران چیزی بجز يك اقلیت دیکتاتوری که بوسیله همسایه شمالی ایران ، روسیه پشتیبانی میشود داشته باشد از طرف دیگر يك رژیم متشکل از روحانیون دست راستی ، ایران را از مرحله بورژوازی ورشد طبقه متوسط بیرون آورده و کشوری میسازد که هر دو ابر قدرت ( امریکا و شوروی ) را

وامیدارد ناامیدانه چشم به ثبات کشوری بدورزند که يك ارباب دیوانه بدون  
پیش بینی های سیاسی و اقتصادی بر روی بشکه های روبه کاهش نفت نشسته  
است .

### شاه چه خواهد کرد ؟

اکنون این سوال مطرح است که شاه با وضع سیاسی جدیدی که به  
قیمت خون ریخته شده بر سطح خیابانهای تهران و اصفهان و شیراز و آبادان  
و شهرمذهی قم و شهر مقدس مشهد پیش آمده است چه میکند ، او به همان  
میزان که در انجام این کار نبوغ از خود نشان داد از قبول نصیحت های مفید  
بیزار است شاه دیگر پیر شده است و از آنجائیکه وزیر دربار و مشاور و لیسوز  
او اسدالله علم نیز مرده است در مورد عادات مورد احترام ایرانیان کمتر  
دقت نظری خرج میدهد . ذهن و درك سیاسی او کاهشی نیافته است اما  
قدرت قضاوت و ششم برنامه ریزی او نقصان یافته است و باین دلیل هر روز  
بطور روز افزون خود را بدام می اندازد .

بهر حال این دامیست که شاه هنوز میتواند خود را از آن نجات دهد  
شاه بجای تکیه به عظمت و شکوه فرهنگی و مذهی ایران که کانون آنها در  
مشهد و اصفهان است به بزرگی امپراطوری تخت جمشید تکیه میکند که در  
فرهنگ قرن بیستم و خشتناک و مهیب جلوه میکند .

بجای گسترش خانواده های روستائی ایران به امیر عباس هویده نخست  
وزیر سابق اجازه دادارد و های زراعی مدرن ( کشت و صنعت ) بسازد که  
نتیجه ای جز نابودی روح کشاورزی و اصلاحات ارضی ایران نداشت .

اوارتشی راکه روزی بطور قابل تحسینی اشاعه دانش میکرد و متشکل  
از سپاهیان دانش بود تبدیل به توده های عظیم و غیر ضروری زرادخانه های  
تسلیحاتی کرده است . علاوه بر آن شاه نمیداند با طبقه متوسط هوشمند

ویرادعا که مدعی خصوصی او هستند و هیچ وقت ساکت نمیشوند و عامل رکود  
مسائل سیاسی نیز میشوند چه باید بکند .

و بالا تر از همه این مشکلات با مشکل غرب زدگی چه کند با رسوائی  
سوء استفاده های شخصی که این روزها در جریان منعکس شده اند چه کند .  
و با آن مرد مصمم ، مسن ولی بدون هیچ تردید خدائی و مقدس  
یعنی آیت الله الخمینی که عمری را در عراق در تبعید بسر برده چه باید بکند ؟  
اشتباهات شاه در بسیاری از مواقع حکایت از شجاعت غیر معقول و میکند  
و در همه جا این اشتباهات ناشی از خود بینی های فردی و انزواگرائی اوست .  
او یکبار به این روزنامه گفت : وقتی پدرم رفت من دیدم که در عرض ۲۴ ساعت  
امپراطوری سقوط کرد من سعی میکنم یک دستگاه و سیستم جدید بسازم .  
این سخن مربوط به هشت سال پیش است و او کار را شروع نکرد تا اینکه  
هفت سال گذشت اگر شاه بدنبال آنچه که باید درش رفت اما سال به تبعید  
نرود باید عاقبت اینکار را بکند مگر اینکه اول بی نظمی ها را سر و سامان دهد و  
سپس منافع خود را تشخیص داده و نصیحت پذیر گردد .

گزارشی از روزنامه گاردین هفتگی

۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸

شکاف در تخت ( طاووس ) سلطنت :

حکومت ایران درگیر یک برخورد خونین با مردم است که میتواند منجر به سقوط حکومت و یا حداقل منجر به بی پشتیبان ماندن و تضعیف شدن آن گردد . ارتشی که پول و اسلحه فراوان را اسراف میکند درک و شعور ندارد که بفهمد برای حفظ نظم داخلی خون سردی و بی تفاوتی لازم است . این ارتش به طرف خیابانهای کشور سرازیر شده است در حالیکه ظاهراً اجازه کشتار و قتل عام نیز دارد . سربازان عصبانی و بد تراز آن شریوید کاربرد لیل فقدان تربیت و تجربه تظاهرکنندگان را به رگبار مسلسل بسته اند ، تظاهرکنندگانی که کوچکترین اطلاعی از محدودیتها و ممنوعیتها نداشته اند . سربازان خیابانها را میبندند و سپس هرزگی کرده و در یک عمل وحشیانه بر روی مردم آتش میگذارند . آنچه که ایران را به این داستان غمناک کشیده است افزایش ترس و وحشت از جنبش آزاد یخواهی ایران و سرگردانی شاه در انتخاب یکی از دو راه امتیاز دادن و یا تحت فشار قرار دادن مخالفین میباشد و این نشاندهنده بی ثباتی و نامطمئنی حکومت است .

وقتی عدم رضایت که ابتدا شکل مذهبی (۱) داشت در اوایل سال در بعضی از شهرهای عمده شروع شد عکس العمل غریزی صاحبان قدرت این بود که با نیروی هرچه بیشتر آن را سرکوب کنند . سپس تصمیمات عاقلانه تری اتخاذ شد اما این تصمیمات نیز مدت کوتاهی بیش نپائید - اینطور فرض میشود که شاه بین دو گروه رقیب گرفتار شده بود یکدسته نظریه میانه روی و رفته رفته آزاد سازی روش حکومتی داشتند و گروه دیگر معتقد به مشت آهنین گره کردن بودند بهر حال قتل عام و زور و فشار و یار قبیل از این در ایران مورد استفاده قرار گرفته بود

یکبار در سال ۱۹۵۱ و یکبار در سال ۱۹۶۳ وقتی که حکومت بطور مشابیهی مورد تهدید واقع شده بود ولی همانگونه که خود شاه بارها گفته است ایران سال ۱۹۷۸ دیگر ایران سال ۱۹۵۱ یا سال ۱۹۶۳ نیست .

در آن زمان ایران یک کشور فقیر بود . اکنون ثروتمند است ایران یک کشور بیسواد بود اکنون بیسواد ی در نیمه راه ریشه کنی میباشد . ایران یک جامعه روستائی بود اکنون شهرهایش پر از جمعیت است و هر روز نیز بزرگتر میشوند زورگوئیهایی که قبلاً در حکومت مشاهده میشد دیگر وجود ندارد . به این ترتیب شاه هفته پیش روش ملامی را در ریش گرفت اما لگزشهای

گاه و بیگاه چند روزه اخیر این اعتدال روش را از بین برد

شاه سیاست آزاد بیخشی خود را پیاده نکرد اما در واقع آن را تسریع کرد او سرانجام دستوراتی را صادر کرد که باید برای هردو گروه مخالف مذهبی و غیرمذهبی خوشایند باشد - انتخاب نخست وزیر جدید شریف امامی به منظور اجرای سیاست آزاد بیخشی ، با حوادث دو هفته اخیر کاملاً مربوط است متأسفانه مخالفتها از جامعه ای رنگ میگیرند که خود این جامعه پرورش دهند آنهاست بعد از تقریباً سی سال سیاست بازی و سیاست زورگوئی که شاه اعمال میکرد مردم دیگر برای مصالحه و آشتی آمادگی ندارند و برای شاه مرگ میخواهند و حاضر به هیچگونه معامله ای با او نیستند .

با کمال تأسف باید گفت که از سوی دیگر نیز دولت و دستگاه سلطنت نمیتوانند اغتشاش را تحمل کرده منتظر تغییر وضع باشند اینست که اگر امتیازات داده شده منجر به روش ملامت و همکاری مردم نشود رژیم بفوریت نتیجه نگیرد و باره به چماق و اسلحه دست خواهد برد .

ابتدا اعلام حکومت نظامی میشود و اگر حکومت نظامی نیز آشکارا نقض شد کشتار را آغاز میکنند .

ایران هفته گذشته چیزهایی بیشتر از حیات چند نفر از دست داده است. و ممکن است شانس صلح و آشتی و راه را برای جامعه ای بر اساس دوستی و دو مکراسی هموار کردن از دست داده باشد جامعه ای که بیشتر ایرانیها از جمله خود شاه در روزهای خوب گذشته آرزوی داشتند را میگرداند.

\* \* \* \* \*

گزارش دوم از روزنامه هفتگی گاردین - مخبرایین  
گزارش خانم لیتزترگود خبرنگار اخراجی گاردین  
از ایران میباشد.

شاه با زورگلوله به تخت سلطنت باز میگردد.

بهار پیرا زوده و وعید ایران بسر آمد یا اقل برای شش ماه آینده بسر آمد. روز یکشنبه صبح عده ای از نمایندگان مجلس به ساختمان زیبای عصر قاجار که فعلا مجلس شورای ملی ایران است رفتند در حالیکه دو تانک چیفتن انگلیسی بیرون در مجلس را اشغال کرده بودند.

نمایندگان به سخنان جعفر شریف امامی نخست وزیر گوش دادند. در این سخنرانی شریف امامی از نظریه خود در باب حکومت نظامی شهر تهران و پیازده شهرد یگرد فاع میکرد. هنگامیکه نه نفر از نمایندگان مجلس جلسه را ترک کردند تشنج فضا را پر کرد آنها فریاد میزدند ماد ولت شما را قبول نداریم آقای نخست وزیر شما هنوز نیامده بسیاری از مردم مرا کشتید.

و بهر حال با هر قصد و همدفی که این جلسه فوق العاده تشکیل شده بود این نکته را نشان میداد که کسانی که بجای سیاست، اسلحه بدست گرفته اند

قدرت کامل دارند گرچه تصمیم شاه در بکار گرفتن اسلحه برای دفاع از خود بوده ولی بصورت يك نمایش از بیرحمی و سفاکی و زورگوئی باعث نفرت بیشتر ایرانیان شده است. خود شاه تصور میکرد با بکار گرفتن اسلحه از گسترش عملیات ایرانیان خواهد کاست يك مهندس جوان میگفت: "شاه دوباره به گلوله متوسل شد چون راه دیگری جز این نمیشناسد".

فاجعه درست در ساعت ۹ / ۲۰ دقیقه روز جمعه در میدان واله اتفاق افتاد سربازان بسوی جمعیتی حدود ۵۰۰۰ پنجه زرن و مرد جوان که معترض به رژیم شاه بودند آتش گشودند. برای رژیم ایران این يك شانس بزرگ است که تظاهرات کنندگان معمولا غیر مسلح هستند. در آنروز هم تظاهرات کنندگان بر روی اسفالت خیابان با آرامش بسیار نشسته بودند و شاید باور نکردنی باشد که عده ای از وضع حکومت نظامی که فقط دو ساعت قبل شروع شده بود بی خبر بودند.

تحت فشارهای آشکار بود که شاه وزیر دربار خود امیر عباس هويدا را از کسار برکنار کرد هويدا کسی است که هویت مذهبی او مورد سوء ظن است. شاه برنامه سفر خود را به اروپای شرقی که قرار بود دو شنبه این هفته آغاز شود بتأخیر انداخت. ایرانیها بخصوص ساکنین تهران با پلیس مزدور برخورد شجاعانه ای داشتند گروههای کوچک و متفرق مخالف شاه در حال تولد هستند، در تمام مدت آخر هفته مغازه ها و بازار بعنوان اعتراض بسته بودند.

انتظار میرود هفته آینده شورشهای بیشتری صورت پذیرد و بنظر میرسد مراسم عزاداری در مساجد ادامه داشته باشد، با افزایش ناامیدیهای سیاسی خیلی از جوانان کشور رزمه بازگشت به جنگ چریکی را بطور خصوصی با یکدیگر مطرح میکنند.

برطبق اظهارات عده ای، چریکهای مجاهدین خلق ایران در ایسن

چند روزه مجدداً اقدام به سرپازگیری نموده است با این اعتقاد که بدون اسلحه مردم ایران بدون قدرت میباشند .

رقم صحیح کشتگان مانند همیشه هرگز مشخص نمیشود دولت رقم کشتگان را ۸۶ ورقم مجروحان را ۵۰۶ نفر اعلام کرده است ولی تعداد اصلی خیلی بیش از اینهاست .

(۱) ناراضیهای ملت، همواره بعد مذهبی داشته و مذهب، با توجه به واقعیات عینی اجتماع ایران، نقشی بسیار مهمتر از پنهانهای برای ابراز ناراضیها بشمار میآید . نهضت فعلی ایران را از نظر بستگی با روحانیت میتوان با نهضت تنباکو مقایسه کرد . نهضتی با انگیزه اجتماعی و رهبری روحانی .

متن مصاحبه خبرنگار مجله نیوزویک با شاه ایران بتاريخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸

محمد رضا شاه پهلوی هفته پیش در یک مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگار نیوزویک "پل مارتین" شرکت کرد . وقتی که "پل مارتین" به کاخ تابستانی شاه که منظره تهران کاملاً از آن پیداست فراخوانده شد شاه ایران رامشوش و خسته یافت . حتی شاه در یک لحظه از گفتگو با صاحب خود سوالی رامطرح کرد و گفت : من در نظر ندارم از شما جوابی دریافت کنم اما سوال اینست که غرب چه خواهد کرد اگر ایران جهت خویش را عوض کند

مارتین جواب آماده ای برای این سوال نداشت . اینک قسمتهای انتخاب شده ای از مصاحبه ۴۵ دقیقه ای آنها از نظر شما میگذرد .

سوال - این هفته ، هفته تقریباً آرامی بود آیا شما فکر میکنید بکنترلی دائمی بر اوضاع دست یافته اید ؟

جواب : فکر میکنم شخص باید همیشه برای مسائل نامشخص محتاطاً ابراز عقیده کند . فکر میکنم هفته پیش روز پنجشنبه ( ۱۶ شهریور ) در موقعیت سختی قرار داشتیم و سقوط خیلی نزدیک بود - مردم حدود قانون را رعایت نمیکردند و کوچکترین توجهی به اخطارهای دولت نداشتند و این حقیقت را باید اعتراف کرد که آنها میتوانند هر چیزی را که بخواهند بدست آورند .

سوال : آیا شما احساس کردید که شخصاً موقعیت خطرناکی دارید ؟

جواب : من هرگز بطور جدی در این باره فکر نکرده ام ولی دیگر صحبت از مسائل شخصی نیست - مساله مهم اینست که بر سر کشور چه خواهد آمد - نزدیک بود کشور گرفتار هیچ و مرج شود .

سوال : آیا در باره موقعیت ارتش هرگز دچار تردید شده اید ؟

جواب : نه هرگز!

سوال : درباره گزارشهای مربوط به ترك خدمت - تحویل اسلحه و آتش گشودن سربازان بروی یکدیگر چه میگوئید؟

جواب : این گفته ها حقیقت ندارد . دیاسه نفرکه دو ماه پیش خرابکار بودند به لباس ارتش درآمده بودند شما میتوانید همیشه این طور آدمها را بیابید . این ارتش متشکل از سربازان وظیفه است .

سوال : ولی اگر ارتش برای مدت طولانی وادار به جنگ خیابانی شود آیا شما میتوانید به وفاداری ارتش اعتماد کنید؟

جواب : اینها سوالاتی است که خودتان هم نمیتوانید جواب صریح به آن بدهید . اگرهای بسیاری وجود دارد . این زندگیست ، این تاریخ ملتهاست . . . . من همیشه عقیده دارم که وظائفي هست که باید انجام دهیم - عقیده ام هنوز هم همانست من بپایان خواهم بود تا اینکه زمانم بسرآید . این خوبست یا بد؟ این مهمترین نکته است . اینستکه من آنرا پوشیده نگه میدارم .

سوال : بعد چی ؟ این مطلب ما را به کجا میرساند؟

جواب : اصلاحات ، سعی براینکه بهترین کار را برای سبك كردن مشکلات مردم انجام دهیم . البته ما احتما برنامه های آزاد بیخششی را ادامه خواهیم داد و کشوری را برای انتخاب آزاد آینده آماده میسازیم .

سوال : آیا ما میتوانیم دستگیری وزیران سابق - تجار و کارمندان اداره را علامت این بدانیم که شما قصد دارید مبارزه ضد فساد خود را تا هر کجا پیش رفت ادامه دهید؟

جواب : اینطور فکر میکنم ، مسلما این افراد به محاکمه کشیده میشوند .

سوال : اگر ای یکی از بستگان شما بمیان کشیده شود آیا کار را متوقف میکنید؟

جواب : سه ماه پیش من يك فرمان برای همه افراد خانواده ام صادر کردم و مطمئن هستم که فرمانم مورد توجه واقع شده است ؟

سوال : آنچه که اتفاق افتاد آشکارا برای شما يك شوک بود آیا شما عظمت و بزرگی مشکل را درك کرده بودید ، وسعت فساد را میدانستید و بیماریهایی را که باعث اینهمه نارضاغیها شده میشناختید؟

جواب : بی پرده بگویم که نه ! ولی دقت کنید که وقتی ما درباره فساد صحبت میکنیم نباید فراموش کنید که فساد همه جا وجود دارد . و ما اکنون درباره فساد صحبت میکنیم زیرا در صد دیم آن ریشه کن سازیم این بدان معنی نیست که شما مردم مغرب زمین همه فرشته هستید .

سوال : آیا دورنمایی از آشتی با روحانیون رامیبینید؟

جواب : اگر آنها قانون اساسی را رعایت کنند چرانه ؟ ولی اگر آنها به قانون شکنی خود ادامه دهند وضع دیگری پیش میآید .

سوال - آیا درخواست خلع ید و یا مرگ شما متاثرتان میکند؟

جواب : بله و نه ، بله - چگونه این ممکن خواهد بود در کشوری که باید دیدا از کجا حرکت کرده است و به جایی رسیده است که امروز هست - از طرف دیگر من آنهایی را که این فریاد از ایشان برخاست می شناسم - تمام جمعیت نبود که این حرفها را فریاد میکرد - و علاوه بر آن این اولین بار هم نبود که این حرفها را میشنیدیم قبلا هم در ایالات متحده شنیده بودم .

سوال : شما عوامل خارجی را مسئول حوادث ایران قلمداد کردید این عوامل چه کسانی هستند؟

جواب : آریا بیانیه آقای مارش رهبر حزب کمونیست فرانسه را

دیده اید؟ و همینطور حزب اسپانیا، ایتالیا و سوئد و دیگران؟ همه آنها يك زبان دارند، و حمایت از این مردمی میکنند که آن شعارها را بالا برده بودند، این دیگر واضح است و همه آنرا میدانند من اسم از جای خاصی نمیبرم اما این وحدت منافع این افراد را نشان میدهد.

سوال: آیا خط مشی سیاسی جیمی کارتر برای پیشرفت حقوق بشر کوششهای شمارا در مکرسی بخشی کمک کرد یا عقیانداخت؟

جواب: ما در همان جهت قدم برداشتیم ولی من نمیتوانم رابطه مستقیمی بین حقوق بشرو شعارهایی که فریاد میشد ببینم.

سوال: در يك چنین موقعیتی چرا اجازه دادید صحبتت داغ مخالفین ضد دولتی پخش شود.

جواب: من فکر میکنم دولت میخواست نشان بدهد که مجلس محل مباحثه است حتی اگر این مباحثه حمله بدولت باشد. خیابان جای مباحثه نیست، این نشان میدهد که ما از یکطرف قانون و نظم داریم و از طرف دیگر سیاست باز.

سوال: از این تغییرات ناگهانی چه درسی آموختید و کشور چه آموخت جواب: آموختم که اگر برنامه آزاد سازی باید ادامه یابد این بهائی است که باید برایش پرداخت.

سوال: هیچ و مرج در خیابانها؟

جواب: نه، منظورم اینست که اگر شما بخواهید مکرسی بدست آید باید قانون راد نظر بگیرید و غیرا اینصورت چگونه مکرسی بدست میآید؟ امیدوارم باین معنی نباشد که حکومت نظامی ادامه خواهد یافت برای ۵ سال بود که ما نیاز به حکومت نظامی نداشتیم. من مطمئن هستم که خواهیم توانست قبل از سرآمدن شش ماه حکومت نظامی را منطقی کنیم.

گزارشی از مجله هفتگی نیوزویک  
۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸

ایران: سرزمین تهدید و رشوه

هفته گذشته محمد رضا شاه پهلوی بامید اینکه خشم صدها هزار نفر گروه مخالف خود را تسکین دهد اجازه داد که بنحوی بی سابقه مباحثات مجلس آشکارا از طریق تلویزیون پخش شود.

مخالفین شاه از این برنامه خیلی بیش از خود را و استفاده کردند نه تن از اعضای مخالف شاه با حرارت زیاد از جمعه سیاه یاد کردند. روزی که ارتش بیش از صد هانفرا تظاهرات کردندگان میدان ژاله تهران را قتل عام نمود یکی از نمایندگان بنام احمد بنی احمد گفت این قتل عام میتوانست فقط بفرمان يك دیوانه باشد. نماینده دیگری یعنی محسن پزشکپور اظهار داشت: باعث تأسف است که بجای درك نظرات مردم دولت با شمشیر کشیده با آنها روبرو شد.

ایران هفته گذشته با آرامشی نسبی جراحات خود را تسکین داد ولی شاه خیلی مشغول بود.

نمایندگان شاه یکبار دیگر کوشش کردند که با رو کردن فساد ها و سوء استفاده پیشینیان و دستوریه دستگیری چندین وزیر کابینه قدیم ایران مخالفین را تسکین دهند قسمت دوم سیاست تهدید و رشوه شاه توسط سرتازان و نمایندگان ساواک یعنی پلیس مخفی شاه صورت گرفت که بیانش

از هزار نفر را دستگیر کردند که در میان آنها رهبران نفوذ مسلمانان یعنی آیت الله  
یحیی نوری بود که بجرم فتنه و برانگیختن مردم به ناآرامی با مجازات مرگ روبرو  
است .

بد نبال وسعت دامنه دستگیرها از میزان تظاهرات کاسته شد ولی آیت الله  
شریعتمداری رهبر محافظه کار مسلمین که رودر روی شاه ایستاده است به  
خبرنگار نیوزویک گفت : این خونریزی بدین معنی نیست که ما تلاش خود را  
متوقف ساخته ایم خیر! تلاش ما ادامه خواهند یافت و دولت باید این را  
بداند .

اکنون شرایط اجتماعی ایران رهبران مسلمان را مجبور به کوتاه آمدن کرده  
است و خیلی از آنها برای نجات از فشارهای کارگزاران شاه که از زمان برگزاری  
حکومت نظامی به بیش از ( ۱۲۰ ) صد و بیست خانه حمله کرده اند  
مخفی شده اند .

آیت الله العظمی روح الله خمینی برجسته ترین روحانی کشور که در عراق  
در تبعید بسر میبرد در یک اعلامیه اعلام کرد که خفقان و ظلم دیگر روبه ناپودی  
میرود در حالیکه تظلم ها و ادوا خواهیها همچنان بقوت خود باقی است .  
روحانیون میانه رهنوز مخالف نوگرایی های غربی هستند در حالیکه طبقه  
متوسط شکوه میکنند که چرا باندازه کافی از ثروت نفت ایران بهره نمیگیرند .

یک هفته بعد از کشتار جمعه سیاه ، مقاومت مخالفین یکبار دیگر آزمایش  
شد و یکروز بدخواست روحانیون روز عزا اعلام گردید و همه مردم با آرامش

در خانه ها ماندند در آنروز ارتش شاه با تجهیزات بسیار و کاملاً مدرن آماده  
مقابله با هرگونه آشوب بود . مخالفین ادعا کرده اند که سربازان شاه بجای  
نشانه گیری بسوی روحانیون و الا مقام از خدمت او فرار خواهند کرد ولی تاکنون  
اکثریت سربازان بشدت در موضع دفاع از تاج و تخت قرار دارند .

یک بررسی دقیق اکنون شاه دیگر نمیتواند از علائق روحانیون چشم  
پوشد و باین دلیل امتیازات چندی به آنها داده است از جمله اخراج وزیر  
دربار و نخست وزیر سابق عباس هویدا که گناه اصلی اش این بود که ظاهراً با  
فرقه بهائیت ارتباط داشت بعضی از تجار و جهودان نیز مجبور به کناره گیری  
شده اند . آنها آماج آزار رژیم قرار میگیرند تا روحانیونی که رنجیده از نفوذ وسیع  
آنها در دربار غیرمسلمان شاه هستند راضی شوند بررسی دقیق فساد یک امتیاز  
دیگراست یکی از هدهدهای این درگیری شخص مؤثر نظام بوروکراسی شاه ، اکبر  
اعتماد رئیس سازمان انرژی و برنامه اتمی می باشد . اعتماد از شغل خود برکنار  
شده و سازمان او به وزارت خانه های دیگر واگذار شد .

وزرای قبلی از جمله منصور روحانی وزیر کشاورزی و فریدون مهدوی وزیر  
سابق بازرگانی بدلائیل نامعینی دستگیر شدند . وزیر بهداشتی سابق  
شجاع الدین شیخ الاسلام زاده با اتهام سوءاستفاده دستگیر شد - روی هم رفته  
یک لیست صد نفره از کارمندان مورد سوءظن و تحت تعقیب تهیه شده است . شاه  
در مصاحبه اش با نیوزویک گفت که بی تردید صاحب منصبان دستگیر شده به  
محاکمه کشیده خواهند شد . یک دیپلمات غربی گفت که تردیدی نیست



که شاه سعی کرده است این پی گیریهای سازمان یافته برای مخالفین  
متقاعدکننده باشد .

ولی تلاش شاه هنگام درگیری با سوءاستفاده های تجارتي گسترده  
خانواده اش ناگهان متوقف خواهد شد يك واردکننده ایرانی گفت :  
” زمانی بود که شما نمیتوانستید يك کار تجارتي را آغاز کنید مگر اینکه یکی  
از افراد خاندان سلطنت را در آن افتخاری شريك نمائید . شاه دست  
خانواده اش را کوتاه کرد ولی اگر قصد داشته باشد کار را عمیقتر دنبال کند  
خانواده اش مطمئناً بشدت لکه دار خواهد شد .

اکنون سؤالی که باقی میماند این است که آیا شاه میتواند تخت و تاج خود را  
با استفاده از سیاست تهدید مردم ورشوه دادن به ارتش بشکل پرداخت  
حقوقهای کلان و وسائل رفاهی حفظ کند ؟